

تشبیه : هم‌اندازی یا ادعای هم‌اندازی میان دو یا چند چیز

ارکان تشبیه :

۱- مشبیه : چیزی که آرام به چیز دیگری تشبیه می‌کنیم .

۲- مشبیه به : چیزی که مشبیه به آن تشبیه شده است .

۳- وجه شبه : رابطه و دلیل شباهت میان مشبیه و مشبیه .

۴- ادات تشبیه : کلمات پیوند دهنده رابطه شباهت ؛ مثل - مانند - همچون - همچو - به سان - به کردار ... (دقت کنید « چو - چون » به معنی مثل و مانند ادات تشبیه هستند و به معنای دیگر، ادات تشبیه نیستند .)

دانا چو طبله عطار است ؛ خاموش و هنرنمای .  
مشبه ادات مشبیه به  
تَشْبِیه  
وجه شبه

تا کند نغمه‌ای چو دریا ساز

سینه باد بگشاده چون دریا  
مشبه وجه شبه ادات مشبیه به  
تَشْبِیه

به نغمی بر سر کارون همی رفت

بگم آرام چون قوی سبیلار  
مشبه وجه شبه ادات مشبیه به  
تَشْبِیه

اسقاره :

اسقاره در لغت به معنی عاریت گرفتن و عاریت خواستن است اما در اصطلاح ادبی به نوعی تشبیه است که در آن یکی از طرفین تشبیه (مشبه یا مشبه به) را ذکر و طرف دیگر را اراده کند. (اغلب مشبه به آورده می شود و مشبه حذف می گردد). پس به کار بردن کلمه ای است به جای کلمه دیگر به دلیل شباهت آنها.

اصل اسقاره بر تشبیه استوار است و به دلیل اینکه در اسقاره فقط یک رکن از تشبیه ذکر می شود و خواننده را به تلاش ذهنی بیشتری وامی دارد، لذا اسقاره از تشبیه رسا تر، زیباتر و خیال انگیز تر است.

اسقاره اهمیت بسیاری در شعر و ادب جهان دارد به طوری که شعرا کلامی مبتنی بر اسقاره را اوصاف آن دانسته اند.

\* صدف وار گوهر شناسان راز دهان هزیم لؤلؤ نگر درند باز

لؤلؤ : اسقاره از سخنان با ارزش [ سخنان با ارزش مانند لؤلؤ که گرانبیا و ارزشمند هستند ]  
مشبه ادات تشبیه مشبه به وجه تشبیه

\* سرو همان من چرا میل چمن نمی کند همدم گل نمی شود یاد سخن نمی کند

سرو : اسقاره از بار، معقول [ بار همچون سرو، خوش قامت است. ]  
مشبه ادات تشبیه مشبه به وجه تشبیه

\* درین بازار آرسوری است با درویش خریند است

بازار : اسقاره از دنیا الهی منعم گردان به درویشی و خرسندی

دنیا به سان بازار و مهل سود و زیان است.  
مشبه ادات تشبیه مشبه به وجه تشبیه

ممکن است در استعاره، از پایه‌ی لای تشبیه، فقط مشبه ذکر شود؛ که در این صورت معمولاً یکی از ویژگی‌های «مشبه به» نیز همراه آن می‌آید:

+ هزار نفس برآورد زمانه و نبود یکی چنان که در آئینه تصور ماست

\* زمانه (مشبه) به انسانی مانند شده و نفس برآوردن که از ویژگی‌های انسان است همراه مشبه آمده است.

== >> گاه در این نوع استعاره مشبه موجودی بی‌جان و غیرانسان، و مشبه به مفرد انسان است که باعث پیرایش جان بخشی یا تشخیص در کلام می‌شود:

نفسی بجز صبا مشک فشان نخواهد شد عالم پیردگر باره جوان خواهد شد

== >> اگر غیر از انسان نیز منادا قرار گیرد به این معنات که آن را انسان نپاشته و به او ویژگی‌های انسانی داده‌ام و از همان نوع تشخیص است. (به این نوع استعاره‌ها؛ استعاره ملکنه نیز گویند)

ای نسیم سحرآمیزه یار کجارت؟ منزل آن مه عاشقش عیار کجارت؟

== >> گاهی نیز مشبه، به ویژگی‌های مشبه به اضافه می‌شود و ترکیب اضافی می‌سازد که به آن اضافه استعاری گویند.

کس چو حافظ انگشاد از رخ ابدش نقاب

تا سر زلف سخن را به تلم شانه زدند



## انواع ترکیب :

۱- ترکیب اضافی ← اسم (مضاف) + حرف + اسم (مضاف الیه) : کتاب علی  
مضاف مضاف الیه

۲- ترکیب وصفی ← اسم (موصوف) + حرف + صفت : کتاب خوب  
موصوف صفت

⊕ در ترکیب وصفی اگر جای موصوف و صفت جابه جا شود؛ ترکیب وصفی ما ترکیب وصفی مقلوب می شود. مانند:

یکلی پهن کشتی به سان عروسی      بیاراسته همچو چشم خروسی

⊕ پهن کشتی ترکیب وصفی مقلوب است. (شکل صحیح این ترکیب وصفی: کشتی پهن است.)  
⇐ شاعران به خاطر وزن شعر و آهنگین شدن کلام از ترکیب وصفی مقلوب استفاده می کنند؛  
از این رو بیشترین کاربرد آن در شعر است.

## + تشخیص ترکیب اضافی از ترکیب وصفی :

۱- میان اجزای ترکیب وصفی می توان «ی» یا «بیار» افزود. خانه زیبا ← خانه بسیار زیبا  
۲- می توان کسره اضافه را حذف کرد و در پایان ترکیب «است» اضافه کرد تا جمله اسمیه حاصل شود. خانه زیبا ← خانه زیبا است.

۳- در پایان ترکیب وصفی «تر» بفرایم. خانه زیبا ← خانه زیبا تر

۴- در پایان ترکیب وصفی «ترین» بفرایم. خانه زیبا ← خانه زیبا ترین

۵- بخشی دوم ترکیب وصفی قابل تکرار است. درخت سبز سبز

۶- بین مضاف و مضاف الیه «این»، «آن»، «همین»، «همان»، «کدام» بیاوریم.

کلبه این باغ ، کلبه همان باغ ، کلبه کدام باغ ...

## انواع ترکیب اضافی :

۱- اضافه تشبیهی : مشبیه به + بر + مشبه مانند : مهر روی زمین - مهر روی درخت

\* در اضافه تشبیهی میان دو اسم مورد نظر (مضاف و مضاف الیه) به طور مستقیم و بی واسطه و هم تشبیه وجود دارد و به کسانی می توان گفت اسم دوم همانند اسم اول است.

« دست از مس وجود هم مردان زه بشوی »

اضافه تشبیهی : وجود مانند مس است از هیبتی از وزن بودن

مشبه ادات مشبیه به وجه تشبه

از ویژگی های تشبیه (است) هم تشبه

۲- اضافه استعاری : ویژگی تشبیه به + بر + مشبه مانند : زنج انوری

\* در اضافه استعاری ، بدون واسطه و مستقیم نمی توان گفت که میان دو اسم ، رابطه تشابه

و همانندی وجود دارد ؛ بلکه برای ساختن تشبیه به یک واسطه (مشبیه به) نیاز داریم .

مثلاً در ترکیب دست مرگ نمی توان گفت که مرگ مانند دست است !! این عبارت

نادرست است و برای ساخت تشبیه نیاز به واسطه داریم :

« مرگ مانند موجودی است که دست دارد و با دست خود چیزی را می گیرد . »

## تشخیص: (personification - شخصیت بخشی - همان بخشی)

تشخیص نسبت دادن صفات و حالات انسان به غیرانسان است.  
گل از سوز تو خندان در بهار است از آتش رنگ کی بیشتر است  
+ خندان بودن گل به آرایه تشخیص

کنایه: آوردن سخنی که دو مفهوم دور و نزدیک دارد و مقصود گوینده، معنای دور آن است.  
در حقیقت کنایه، پوشیده و غیر مستقیم سخن گفتن درباره امری است.

[متراب المثل] را می توانیم کنایه بگویم. البته هر کنایه ای متراب المثل نیست.

بجامه ای کوشود عرقه به خون بهر وطن بدر آن جامه که تنگ آن و کم از گفتن است.  
+ عرقه به خون شدن کنایه از گشته شدن

## حسن تعلیل: آوردن دلیل غیر واقعی و ادبی و زیبا و شاعرانه.

تا چشم بشر بنزدت روی بنشسته به ابر، چهره دل بند  
علت ارتعاع دماوند و پشته ابر بودن قلّه آن را این می دانند که دماوند دوست ندارد، مردم  
صورتش را ببیند، که علت غیر واقعی و تخیلی است، پس حسن تعلیل دارد.

رسم بد عمره ای ایا چه دید ابر بهاری گریه اش بر سمن و سنبلی و نسیم آه  
علت باران بهاری، بد عمره ای و بد پیمانی روزگار سنان رده است، که ادبی، اما غیر واقعی است.

**تنسیق الصفات :** آرایه ای است که در لغت به معنی ترتیب دادن است و در اصطلاح

ادبیات فارسی آن است که با تلمیح مناسبت برای موصوف واحد صفات متعددی آورده می شود.  
در نظم و نثر به کار می رود.

اول دفتر به نام ایزد درانا صنایع و زوهر در خارج توانا  
+ ساعر عظیم حضرت مختلف رای در پی آورده است .

**مراعات تطبیح :** به کار بردن کلماتی که از یک مجموعه (شبهه معنایی) باشند.  
+ مراعات تطبیح به مدایح معنایی کمک می کند و باعث زیبایی و دلنشینی سخن می شود.  
نام دیگر مراعات تطبیح به تناسب است .

ز خورشید و از آب و از بار و خاک  
نگردد تنبه نام و لغت آریک



**سجع** : یکانی در واج یا واج لای پایانی و وزن یا هردوی آنراست .

آرایی سجع در کلامی دیده می شود که حداقل دو جمله باشد، زیرا سجع لای باید در پایان دو جمله بیاید تا آرایی سجع پدید آید؛ درست مانند قافیه که در پایان مصراع لای یا بیت لای می آید.

سجع هم در شعر و هم در شعر به کار می رود. فایده ی آن ایجاد موسیقی در شعر و آرایش موسیقی در شعر است. شعر و شعری که سجع در آن بکار می رود «سجع» نامیده می شود.

انواع سجع :

۱- سجع متوازن : هم وزن بودن دو جمله ؛ مانند ← باد - بار / عمر - بال

۲- سجع مُصَرَّف : یکانی واج لای (حروف) پایانی ؛ **نوع** - **صبوح**

۳- سجع متوازی : هم وزن بودن + یکانی واج لای پایانی ؛ کمال - جمال

\* آرایش موسیقایی سجع متوازی از همه ی سجع لای بیشتر است .

\* سجع لای بیشتر در شعر به کار می رود ، اما در شعر نیز نمونه یایی از آن را می توان یافت . به بیت زیر دقت کنید :

در رضن جان از بدن گویند هر نوعی سُخُن

من خود به چشم خویش دیده ام که جانم می رود .

ملاحظه می کنید که سعدی بیت را به ۴ قسمت تقسیم کرده و در پایان ۳ قسمت از آن

واژه لای را آورده که با هم سجع متوازی یا مصرف دارند .



**ایهام :** آوردن کلمه ای که دو یا چند معنی دارد و مورد معنی (یا چند معنی) باشد قبل است.

ایهام در لغت از ریشه « و هم » و « معنی » به تکرار و تکرار لغات است.

+ توصیه می کنیم به است کلمات ایهام نیز مستطاب شود. البته این کلمات همیشه ایهام ایجاد نمی کنند و باید در سبب و عبارت مورد نظر معنی شان مورد بررسی قرار گیرد و نیز دست آید فقط این کلمات نیستند که می توانند ایهام ایجاد کنند بلکه این که مهم ترین کلمات هستند.

مهر [ محبت و عشق ] مشرب [ معشوقه فرورد ] مداام [ نوشی شراب ] داد [ فریاد ] عدل [ عطا کرد ]

روان [ جاری ] نگران [ مضطرب ] صید [ تحمل ] روی [ متضاد روی ]

طاق [ تک ] دور لذت [ فراق ] مصیبت [ امانت گشته ] بو [ رایحه ]

عمره [ بیجان ] شور [ مزه ] بی نوا [ بوخت ] بادیه [ صحرا ]

کنار [ پهلو ] بر آید [ افعال پذیر باشد ] هفت [ جل پنجه ] شهد [ زیبارو ]

گوشه [ کنار ] دور اندیش [ آینه فکر ] آهوا [ نام هوای ] باز [ گشوده ]

(+) با محبت عیب مگوید که او نیز پیوسته چو ما در طلب عیش مُدام است.

- ① شراب
- ② همیشه

**ایهام تناسب:** آوردن یک کلمه در دو معنی که یک معنای آن قابل قبول است اما در معنای دیگر با بعضی کلمات جمله یا بیت تناسب ایجاد می‌کند.

**نکته** ← فرق ایهام با ایهام تناسب: در ایهام هر دو معنی قابل قبول است، اما در ایهام تناسب یک معنی قابل قبول است و معنی دیگر، تناسب ایجاد کرده است.

← است کلمات ایهام خنجر که در سمت ایهام آورده ام، در اینجا نیز به کار می‌آید.  
پرستش به مستی است در کشش مهر  
برون از زمین چرخه هشماره

**ایهام تناسب:** (۱) آسین مهر و محبت (۲) آسین مستی پرستی که با پرستی  
تناسب دارد.

**اغراق:** زیاده روی و بزرگ نمایی در بیان ویژگی و صفت چیزی.

+ نام دیگر اغراق، مبالغه است و این آرایه درجه سه له کاربرد فراوان دارد.

همی خاک نعلش بر آمد به ماه  
+ مکی تازی ای برشته سیاه

← خاک نعل به ماه بر آمدن: حرکت و سرعت بسیار که در اثر آن خاکی که از پشت ارب بر می‌آید به ماه برسد!!!

+ اگر یک لحظه امشب در چنبد  
سپیده دم جهان در خون نشیند

← جهان در خون نشیند: اغراق در شدت ویرانی و قتل

## جناس :

جناس به معنی هم جنس بودن است ؛ نیز آوردن کلماتی با تلفظ نزدیک به یکدیگر .

جناس انواع دارد :

### ۱- جناس همسان (جناس تام) :

دو کلمه در معنی مثل هم نوشته شوند ، اما معنای متفاوت داشته باشند .

ماورس کنایه که کی اش نام نراندند پادشاه  
کی بود و کجا بود ؟ همه وقت کی اش نام نراندند ؟

ز هر ناحیت کاروان در حال رفتن روان به دیدار آن صورت بی روح روان

هر چه سخت بر او سخت گرفتند ، کمربند خود را مخام تربت

### ۲- جناس ناهمسان (ناقص)

الف) اختلافی : اگر تفاوت دو کلمه در یک حرف باشد :

+ حرف اول هار - بار

+ حرف وسط بهار - بیبار

+ حرف آخر بال - باد

ب) حرکتی : اگر تفاوت دو کلمه در حرکت باشد : (صوت کوتاه)

ای مهر تو در دل د ، وی مهر تو بر لب د

وی شور تو در سر ، وی سُر تو در جان د

ج) امراضی: اگر یک کلمه یک حرف از دیگری بیشتر داشته باشد.

+ حرف اول: آزار - (ب) آزار

+ حرف وسط: دست - (و) دست

+ حرف آخر: ریا - (ی) ریا

د) اشتقاق: هم‌ریشه بودن واژه با در حرف اصلی

اگر طلوع کند طالع همانگون است

ز شرق سرکوی آفتاب طلعت تو

« ط، ل، ع »

« موفق باشد »

حیب زاده